

رابطه توسعه مشارکت‌های مردمی، فرهنگ

کاظم رحیمی^۱، مهران حمیرانی^۲

۱. کارشناس ارشد مدیریت اجرایی (گرایش استراتژیک)

معاون سیاسی امنیتی اجتماعی فرمانداری شهرستان پارسین، ایران

۲. کارشناس حسابداری بازرگانی، کارشناس فرمانداری شهرستان پارسین، ایران

چکیده

توسعه، جریانی چند بعدی است که در خود تجدیدسازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی و ... را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود مسائل معیشت، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و همچنین استارها و وجهه نقل‌های عمومی مردم است، توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد. مشارکت را می‌توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت‌آوری دانست که برای تمشیت امور جامعه ضروری است.

مشارکت را (جوامعی که در فراگرد تصمیم‌گیری، جمعی کوشش می‌نمایند تا اهداف، ارزش‌ها، پیامدها، منافع، مضرات و اطلاعات و آگاهی‌های لازم برای تصمیم‌گیری در اختیار مردم قرار داشته باشد، از ماندگاری و بقاء بیشتری برخوردار خواهد بود چون که پاسخ به سؤالات در شرایط حساس به آسانی و قاطع‌تر و منسجم‌تر اتخاذ خواهد شد.

واژه‌های کلیدی: توسعه، مشارکت، مشارکت مردمی، تصمیم‌گیری

مقدمه

تاریخ حیات انسان تاریخ همکاری و ستیز است. زمانی که نخستین بار انسان دریافت که می‌تواند با تجمع توان خود با دیگری بر آن دیگری فائق آید مشارکت زاده شد. دموکراسی آتن تبلور خواست شهروندان در تعیین سرنوشت خود بود. نابرابری ذات آن بود، همچنان که همکاری و مشارکت در قدرت توسط هم پایگان، از سیاست آتنی متولد شد. از انباشت تجربه‌ی تاریخی بشر مشارکت در مفهوم امروزی خود متبلور شد. امروزه مشارکت در بستر جامعه‌ای دموکراتیک و مدنی و رتی نهادمند به خود می‌گیرد. در جامعه مدنی تشکلهای مستقل از دولت در شرایط برابر و برخوردار از اطلاعات و امکانات مساوی زمینه مشارکت افراد در امور مربوط به خودشان را فراهم می‌سازند. تعریف فرهنگ انگلیسی آکسفورد مشارکت participation را به عنوان «عمل یا واقعیت شرکت کردن، بخشی از چیزی را داشتن یا تشکیل دادن» دانسته است (موسسه تحقیقاتی ملل متحد برای توسعه اجتماعی مشارکت را «کوشش‌های سازمان یافته برای افزایش کنترل بر منابع و نهادهای نظم‌دهنده در شرایط اجتماعی معین از سوی برخی از گروه‌ها و جنبش‌هایی که تاکنون از حیطه اعمال چنین کنترلی محروم و مستثنی بوده‌اند» تعریف می‌کند. جوامع برای تطبیق با نوسان در منابع حیاتی آمادگی باید داشته باشد و علاوه بر پیش‌بینی منابع حیاتی جایگزین آمادگی سازگاری با منابع جدید را به صورت الگوهای شناختی و رفتاری (فرهنگ) در جامعه خود فراهم آورد.

تعریف توسعه

"توسعه" در لغت به معنای رشد تدریجی در جهت پیشرفته‌تر شدن، قدرتمندتر شدن و حتی بزرگ‌تر شدن است (فرهنگ لغات آکسفورد، ۲۰۰۱). ادبیات توسعه در جهان از بعد جنگ جهانی دوم مطرح و مورد تکامل قرار گرفت. طبق تعریف، توسعه کوششی است برای ایجاد تعادلی تحقق‌نیافته یا راه‌حلی است در جهت رفع فشارها و مشکلاتی که پیوسته بین بخش‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی وجود دارد. به عنوان مثال حتی در کشورهای پیشرفته نیز، پیشرفت فکری و اخلاقی انسان با پیشرفت‌های فنی (فناورانه) همسانی ندارد و یا اینکه فرهنگ عامه با تکنیک‌های وسایل ارتباط جمعی هماهنگی ندارد. اما در تعریف توسعه نکاتی را باید مدنظر داشت که مهمترین آنها عبارتند از اینکه اولاً توسعه را مقوله ارزشی تلقی کنیم، ثانیاً آن را جریان چند بعدی و پیچیده بدانیم، ثالثاً به ارتباط و نزدیکی آن با مفهوم بهبود توجه داشته باشیم. توسعه، جریانی چند بعدی است که در خود تجدید سازمان و سمت‌گیری متفاوت کل نظام اقتصادی، اجتماعی و ... را به همراه دارد. توسعه علاوه بر بهبود مسائل معیشت، شامل دگرگونی اساسی در ساخت‌های نهادی، اجتماعی، فرهنگی، اداری و همچنین استارها و وجهه نقل‌های عمومی مردم است، توسعه در بسیاری از موارد حتی عادات و رسوم و عقاید مردم را نیز در برمی‌گیرد. مشارکت را می‌توان حرکت آگاهانه، فعال، آزاد و مسئولیت‌آوری دانست که برای تمثیت امور جامعه ضروری است.

تعریف فرهنگ

فرهنگ مجموعه ارزش های اجتماعی و اعتقادات و عناصر ساختار ذهنی تلقی می شود. (ادوارد تایلور ۰۶۰۲-۰۳۸۷) فرهنگ را، مجموعه پیچیده ای از دانش ها، باورها، هنرها، قوانین، اخلاقیات، مشارکت ها و هر چه که فرد به عنوان عضوی از جامعه از جامعه خویش فرامی گیرد تعریف می کند، فرهنگ به وسیله آموزش، به نسل بعدی منتقل می شود؛ هر فرد یا جامعه ای برای داشتن اقتدار بیشتر لازم است افکار عمومی جامعه و دیگر جوامع را در مورد باورها و اعتقادات و ارزش های جامعه خویش اقناع نماید و در اقناع و پذیرش افکار عمومی موجب پدید آمدن اقتدار و پایداری و ماندگاری بیشتری برای آن جامعه می شود. (فرهنگ راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان در یک جامعه است.

تمامی فرهنگ ها، با حرکتی کند و تدریجی، تغییر می کنند. روانشناسی اجتماعی، تغییرات فرهنگی را بر گرفته از مشارکت های فردی یا افراد، رفتارهای جمعی و ویژگی های شخصی و انگیزه ها می داند. هنگام بررسی فرهنگ باید به دو نکته توجه داشت: نخست پهنه فرهنگی است و دیگری قدرت فرهنگ هاست. هر سیستم فرهنگی در یک زیستگاه طبیعی رشد می کند. از این رو بی تردید محیط بر فرهنگ تأثیر خواهد گذاشت. چنین تأثیرگذاری را پهنه فرهنگی می نامند. از سویی دیگر ما دو نوع فرهنگ داریم؛ یکی فرهنگ قدرتمند است که پایه های استواری دارد و در نتیجه باقی می ماند و دیگری فرهنگی است که سست و ناتوان است و از بین می رود. در این میان، آن فرهنگی می تواند باقی بماند که نیرومند باشد. دلیل نابودی برخی فرهنگ ها را باید در توجیه نشدن عقلانی و کاربردی آن فرهنگ ها دانست؛ اما مسئله اینجاست که فرهنگ هایی نیز وجود دارند که با آنکه توجیه کاربردی دارند، اما در حال از بین رفتنند؛ چون ریشه های آنها بیرون کشیده نشده و نیرومندی آن بروز نیافته است.

تعریف مشارکت

مشارکت را (جوامعی که در فراگرد تصمیم گیری، جمعی کوشش می نمایند تا اهداف، ارزش ها، پیامدها، منافع، مضرات و اطلاعات و آگاهی های لازم برای تصمیم گیری در اختیار مردم قرار داشته باشد، از ماندگاری و بقاء بیشتری برخوردار خواهد بود چون که پاسخ به سؤالات در شرایط حساس به آسانی و قاطع تر و منسجم تر اتخاذ خواهد شد. بنیادی ترین اندیشه زیرساخت توسعه مشارکت های مردمی پذیرش اصل برابری مردمان است. مردمان هرگاه در پیوند با یکدیگر از اهمیت و ارزش برابر برخوردار شوند آنگاه مشارکت میان آنان می تواند به "برخاستن و خیز برداشتن یاری دهد" و سود بهره مندی های بسیار برای همه فراهم آورد. از دیدگاه مشارکتی همه افراد در مورد اموری که مربوط به خودشان است؛ احساس مسئولیت می نمایند و حق دارند در مورد آنها فکر کنند و اندیشه خود را آزادانه بیان نمایند. در بنگاه های اقتصادی مشارکت به مفهوم کوشش دسته جمعی و همکاری تمام افراد) مدیران و کارکنان و مشتریان (برای دستیابی

به اهداف و منافع مشترک است. در مدیریت مشارکتی فاصله بین کارکنان و مدیران کاهش می‌یابد؛ آنها در تصمیم‌گیری‌ها و روند برنامه‌ریزی دخالت داده می‌شوند و به همان نسبت از فواید و دستاوردهای ناشی از مشارکت برخوردار خواهند بود.

یکی از کامل‌ترین تعاریف مشارکت توسط آبهوف و کوهن (۶۲۹) بیان شده است اهمیت این تعریف بگونه‌ای است که از آن به عنوان یک تعریف استاندارد نام می‌برند و امروزه در غالب منابع به آن استناد می‌کنند. آبهوف و کوهن بیش از هر چیز به دخالت مردم در فرآیند تصمیم‌گیری تأکید دارند و معتقدند «مشارکت یعنی شرکت افراد در تصمیم‌گیری، اجرا، ارزشیابی و تقسیم منافع حاصل از یک پروژه»، از دیدگاه واژه‌شناسی، مفهوم مشارکت با تعاون، همیاری و دیگر یاری متفاوت است. هر چند که در بعضی از متون این کلمات را به صورت معادل بکار می‌برند.

دستاوردها و پیامدهای مشارکت شامل:

برابری و تساوی حقوق، دستگیری و کمک، همبستگی ملی، مشروعیت و مقبولیت نهادی، برنامه‌ریزی، نظارت و آینده‌نگری، حاکمیت، رفع آسیب‌ها و مشکلات فردی و اجتماعی، روشنگری، رشد و پیشرفت، ابتکار و سازندگی بوده‌اند.

کمسیون اقتصادی آمرکای لاتین مشارکت را شرکت داوطلبانه مردم در یک یا چند برنامه عمومی که فرض می‌شود در توسعه ملی نقش دارد، تعریف می‌کند محمدعلی طوسی از قول کیت دیویس می‌نویسد: «مشارکت عبارتست از درگیری ذهنی و عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گوناگون، به گونه‌ای که آنان را برمی‌انگیزد تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی دیگران را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند.» (طوسی، ۸۲۷)

تعریف توسعه مشارکتی

اما اهمیت مشارکت در سرنوشت جوامع و زندگی بشر به حدی است که تقریباً زندگی انسان‌ها بدون آن ممکن نیست، تا جایی که در ادیان الهی همواره بر آن تأکید شده است. بسیاری از فلاسفه قدیم نیز از اهمیت مشارکت آگاهی داشته‌اند، از جمله افلاطون منشأ مشارکت‌ها را دفع هر نوع تعلق‌ها و مالکیت و رسیدن به هدف‌های مشترک در جامعه‌ای مبتنی بر حکومت اندیشه‌گران و یا فیلسوفان می‌داند، اسپینوزا معتقد است که هرگاه انسان، انسان دیگری را در حین انجام کاری یا ابراز عاطفه‌ای مشاهده کند بی‌اختیار خواهان تقلید از آن کار یا ابراز آن عاطفه می‌شود (پاپلی‌یزدی، ۹۰:۸۳۹). مشارکت فرآیند درگیر شدن کلیه گروه‌های مردم در همه مراحل و ابعاد توسعه و در این بچوبه ظهور توانایی‌ها، قابلیت‌ها و در نتیجه رشد تعالی مادی و معنوی آنهاست. فلسفه مشارکتی مبتنی بر شأن و منزلت انسان و کرامت آن است، مشارکت

در امور آموزشی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی مردم را با امکانات و مخصوصاً با محدودیت های موجود در نظام پیرامون آنها آشنا می سازد و مردم در طی مشارکت فرا می گیرند که نه به صورت افرادی مجزا، بلکه در گروه های اجتماعی با هدف مشترک فعالیت می کنند (اسماعیل زاده ۱۳۸۸: ۱۸۲). توسعه از مقوله مفاهیمی است که به تعاریف اسمی یا مصداقی نیاز دارند. در این نوع اصطلاحات، بنیان تعریف مبتنی بر معرفه ها یا مشخصه هایی است که به مفهوم و عناصر متشکله آن نسبت داده می شود. بر این اساس برای تعریف توسعه باید دید که این اصطلاح به چه معرفه ها و مشخصه هایی دلالت می کند و طبیعی است که این معرفه ها و مشخصه ها بر حسب اینکه از چه منظری، مثلاً اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، به توسعه نگریسته شود متفاوت خواهند بود. در سطح عمومی و مشترک اغلب مشخصه هایی که ذیل مفهوم توسعه می توان برشمرد با آنچه ذیل سه مفهوم پیشرفت، تکامل و نوسازی بحث شده، کم و بیش یکسان است. هر چهار واژه ی یاد شده که دو تای آن یعنی پیشرفت و تکامل قدیمی تر و دو تای دیگر یعنی توسعه و نوسازی جدیدترند، فرایندی را توصیف می کنند که بر گذار از مراحل فرودین به مراحل فرازین دلالت دارد. (زاهدی، ۱۳۸۶: ۱۲)

مشارکت توسعه ای: این نوع مشارکت فرآیندی است اجتماعی، یکپارچه، جامع، پویا، همبسته، چند بعدی و چند فرهنگی. به عبارتی دیگر مشارکت توسعه ای می خواهد که همگان در همه ی مراحل توسعه درگیر شوند. پاپلی یزدی (۱۳۸۶: ۱۱۹) مشارکتی که مدنظر است همین مشارکت توسعه ای است چرا که تمامی سطوح جامعه، نیازهای آن و ابعاد زندگی فرد و گروه را در برمی گیرد. مشارکت در آن از پایین به بالاست نه از بالا به پایین و به صورت درونی است نه بیرونی، همین مشارکت است که بسترهای لازم را برای رسیدن به مفهوم توسعه مشارکتی و همچنین جامعه فراهم می کند، لذا جهت رسیدن به چنین توسعه ای باید اندیشه دموکراتیک را در جامعه نهادینه کرد و این کار تنها از طریق ایجاد نهادهای مدنی و غیردولتی، تقویت حوزه ی عمومی، شکل گیری اصناف و دیگر تشکلهای گروهی در جامعه امکان پذیر است. غفلت از توسعه مشارکت چه بسا تهدیدی همچون خود بیگانگی سیاسی - اجتماعی در جامعه ایجاد شود، اگر بخش های بزرگی از جوامع در مقایسه با دیگر اعضاء همان جامعه دچار محرومیت در مشارکت شوند، فراگرد قشربندی و نابرابری اجتماعی شکل می گیرند. و محروم شدن از امتیازهای توسعه ای و اجتماعی در یک دوره طولانی نوعی عدم مشارکت اجتماعی و از خود بیگانگی را موجب می شود که می تواند به انسجام جامعه اثر گذارد.

تعریف توسعه فرهنگی

توسعه فرهنگی یعنی اینکه هر یک از انسان ها منافع جداگانه خود را دنبال نکنند که باعث هرج و مرج در جامعه و حاکمیت شود، چرا که هر جامعه ای با اعتقاد به مجموعه ارزش ها و باورها، دارای نظام و الگوی

سازماندهی شده می‌باشد که معقولانه مبتنی بر منفعت جمعی می‌تواند پاسخگوی نیاز همگان باشد. توسعه و پیشرفت زندگی فرهنگی یک جامعه با هدف تحقق ارزش‌های فرهنگی، به صورتی که با وضعیت کلی توسعه اقتصادی و اجتماعی هماهنگ شده باشد. تعابیر مختلفی در باب توسعه فرهنگی وجود دارد اما می‌توان تعریف «ژرار آگوستین» را یکی از تعاریف قابل توجه این مفهوم برشمرد:

«ایجاد شرایط و امکانات مادی و معنوی مناسب برای افراد جامعه به منظور شناخت جایگاه آنان، افزایش علم و دانش انسان‌ها، آمادگی برای تحول و پیشرفت و پذیرش اصول کلی توسعه نظیر قانون‌پذیری، نظم و انضباط، بهبود روابط اجتماعی و انسانی، افزایش توانایی‌های علمی و اخلاقی و معنوی برای همه افراد جامعه.» در مجموع با توجه به تعابیری که ذکر شد، توسعه فرهنگی را می‌توان فرآیند ارتقاء شئون گوناگون فرهنگ جامعه در راستای اهداف مطلوب دانست که زمینه ساز رشد و تعالی انسان‌ها خواهد شد. توسعه و توسعه فرهنگی دو مفهوم بسیار مهم می‌باشند که در برنامه‌ریزی‌های ملی در چند دهه اخیر از جایگاه ویژه‌ای برخوردار شده‌اند. مفهوم توسعه‌یافتگی یعنی فراهم آوردن شرایط و امکاناتی برای آحاد جامعه که شاخص‌های رشد فرهنگی محقق شود.

توسعه فرهنگی یعنی ارتقا و اعتلای زندگی در جامعه و دستیابی به ارزش‌های متعالی فرهنگ. توسعه فرهنگی به عنوان یک فرایند همیشگی است و همواره در طول زمان جوامع دستخوش توسعه آن بوده‌اند و نمی‌توان جامعه‌ای را یافت که از این موضوع فارغ باشد.

افزایش باورها و اعتقادات دینی مشترک در یک جامعه و در بین جوامع دنیا موجب توازن اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی شده و بالعکس آن، کاهش باورها و اعتقادات دینی سیر نزولی همیشگی انسان را طی می‌کند و افراد و جوامع را در خطر کشمکش و نزاع بیشتر قرار می‌گیرند، که به وضوح نقش توسعه فرهنگی خود را نمایان می‌کند.

نتیجه‌گیری

با توجه به تحقیقات و مطالعات انجام گرفته در این مقاله، رابطه توسعه، مشارکت و فرهنگ حلقه‌ای است که باعث اقتدار بیش از پیش حاکمیت می‌شود.

شهروندان جامعه‌ی ما باید در پی مشارکت هر چه بیشتر در حیات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و خواهان استفاده از فرصت‌های بیشتر در نظام ملی کشور باشند. جامعه‌ی ما در طول چندین دهه‌ی اخیر حوادث گوناگونی را پشت سر گذاشته، حوادث جنگ، ناامنی سیاسی، رویارویی نظامی و غیره. بت‌های فکری بیکن، بازگوی این می‌باشد که امر انتخابات در جامعه‌ی ما در طول چندین دهه‌ی اخیر بر اساس پیش‌دآوری برخی گروه‌ها و افراد، به ویژه بت‌های طایفه، بازار و نمایش صورت گرفته، بدون پالایش ذهن خود از این بت‌ها، پاسخ مشارکت مردم را از قبل پیش‌بینی نموده و در بیشتر اوقات هم نظریاتشان نتیجه‌ی

معکوس داده است. در حالی که مشارکت پدیده‌ای تصور ناپذیر و یا بیگانه با تاریخ و فرهنگ ما نیست، چه در ادیان ایرانیان، چه در آداب و رسوم ایرانی و چه در تاریخ معاصر، ایرانیان نشان داده‌اند که در شرایط و زمینه‌های مناسب به یک دیگر اعتماد، به خود و دیگران امید دارند و به این منظور فعالانه حاضر به مشارکت در امور جامعه‌اند. این امر در دوره‌ی مشروطه، ملی شدن نفت و در طول انقلاب سال ۱۳۵۷ مشاهده شد (میرسپاسی، ۱۳۸۸: ۳۱)

از آنجا که علت اصلی مشارکت اندک مردم در توسعه و اداره امور جامعه قبل از هر چیز، مسئله‌ای فرهنگی است، قبل از هر اقدام ضروری است فرهنگ مشارکت ترویج شود. بداین منظور مسلماً توجه به مجموعه باورها و اعتقادات و اقناع افکار عمومی به آن اهمیت می‌یابد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- ارمکی، تقی آزاد، (۸۳۹)، جامعه‌شناسی توسعه، انتشارات علم، چاپ اول.
 - ۲- زاهدی، محمدجواد، (۸۳۹)، توسعه و نابرابری، انتشارات مازیار، چاپ سوم.
 - ۳- طوسی، محمدعلی، (۸۲۷) مشارکت. انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
 - ۴- کاظمی، موسی. (۸۳۵) شناخت‌شناسی نهادهای مشارکتی حمایتی در ایران، انتشارات علم
 - ۵- روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۸۵۱۷، تاریخ ۱۳۹۱/۵/۰۱
- 6) <https://fa.wikipedia.org>